

### نغمات و الحان موسیقی در اشعار منوچهری دامغانی

حسن ادیب

هر چند که همه شاعران این سرزمین باستانی با هنر موسیقی آشنا بوده اند و این آشنایی در حیطه یک و یا چند رکن اصلی و یا تسلط کامل بر تمامی ارکان این هنر بوده است اما می توان با کمال جرأت منوچهری دامغانی را در زمره موسیقیدانان و یا موسیقی شناسان به حساب آورد. همانطوریکه در کتاب موسیقیدانان بزرگ اثر پرسی ۱.۱ سکولز نیز از شکسپیر شاعر شهیر انگلیسی به عنوان موسیقیدان یاد شده است و نویسنده این کتاب معتقد است که موسیقی دان فقط به آن کس گفته نمی شود که آواز بخواند و یا سازی بنوازد بلکه به آن فردی که دارای گوش موسیقائی حساس بوده و بتواند الحان و نواها را درک نموده و از آن لذت ببرد نیز می توان موسیقی دان گفت که به قول نویسنده کتاب موصوف شکسپیر نیز تمامی این شرایط را داشته و از طرفی توجه عمیق و خاصی نیز به موسیقی کلام می نموده است - اعتقاد به نظریه فوق، ارتباط شعر و موسیقی در روند تاریخی و تکامل ادب و هنر ایران زمین را هر چه بهتر روشن می سازد و اهمیت آن را به اثبات می رساند. اهمیت این ارتباط تا جایی است که گویی حذف هر کدام از آنها یعنی بی هویت شدن دیگری در رباعی زیر از اشعار منوچهری می توان بخوبی ریشه لحن، شعر و وزن این دو را می توان دریافت:

در بندم از آن دو زلف بند اندر بند      نالام از آن عقیق قند اندر قند

ای وعده فردای تو پیچ اندر پیچ      آخر غم هجران تو چند اندر چند

وزن افاعیلی:      فاعل فعلن مفاعلاتن فعلن      فاعل فعلن

مفاعلاتن فعلن

وزن اتانینی:

تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ

تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ

ترتیب شمارش و

حرکات صوتی: ۲۱ ۳۲۱ ۱۲۱۲۱ ۲۱ ۳۲۱ ۱۲۱۲۱ ۲۱ ۳۲۱۲۱ ۱۲۱۲۱ ۲۱

ریشه لحن و شعر: لَأْ حَوْلَ وَ لَأْ قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ      لَأْ حَوْلَ وَ لَأْ قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

(وزن این دو)

با نگرش لازم و دریافت این ارتباط توانایی و چهره دستی این شاعر شاداب فکر قرن چهارم و پنجم هجری در بکارگیری اوزان و الحان موسیقی در اشعار به اثبات می رسد، به طوری که می توان این اوزان را در اشعار شاعر قبل و بعدی نیز یافت. - این شاعر طبیعت گرا آنچه را که در طبیعت دیده به نیروی تخیل و با کمک تشبیه، تمثیل و قیاس در روح و قالب واژه ها و کلمه ها ریخته و به مدد درک عالی موسیقائی و بینش و دریافت های عمیق خود ابتدا بر لوح ذهن و فکر و سپس بر روی کاغذ نقاشی و به تصویر کشیده است.

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است

باد خنک از جانب خوارزم وزان است

آن برگ رزانست که بر شاخ رزانست

گویی به مثل پیرهن رنگ رزانست است

دهقان به تعجب سر انگشت گرانست است

کاندر چمن و باغ نه گل ماند و نه گلنار

در مسمط موصوف صفت خزان ( فصل پاییز ) با تبهر و استادی کامل به تصویر کشیده شده که اگر خواننده دارای گوش هوش و نگاه معنوی باشد ضمن دریافت صفات و ویژگیهای خزان به نقش تحول و دگرگونی در طبیعت و عالم هستی از

دیدگاه حکمت و عرفان پی برده و هشدار منوچهری را جهت باور داشتن ناپایداری عالم فانی در می یابد. چنانچه دهقان در شعر فوق ضمن حیرت و تعجب آن را دیده و درک نموده است.

نگارنده حقیر معتقد است که این سخن، سخن اهل راز است که این بار از نظرگاه و از دل شاعر موسیقی دان و اهل رازی چون منوچهری دامغانی تراوش یافته و بانگ آن به گوش ما رسیده است چنانچه خواجه محمد حافظ شیرازی فرموده اند.

رباب و چنگ به بانگ بلند می گویند

که گوش هوش به پیغام اهل راز کنید  
مرحوم استاد فروزانفر در کتاب سخن و سخنوران نوشته اند « منوچهری شاعری جوان طبع و برنا فکر است سبک شعری او طرب و شادابی مخصوص جلوه گرمی سازد، پای می کوبد و دست می افشاند، می خواند و می نوازد.

دکتر عبدالحسین زرین کوب نیز معتقد است که زنگ و آهنگهایی که در اشعار منوچهری با هنرمندی خاص توصیف شده از ذوق موسیقی و نقاشی وی حکایت دارد و اطلاع از موسیقی در این اشعار جلوه بارزی را دارا است.

بساز چنگ و بیاور دوبینی و رجزی

که بانگ چنگ فرو داشت عندلین رزی  
بیت فوق از نظر محور الارکان در بحر مجتث می باشد که وزن افاعیلی و اتانینی آن به ترتیب زیر است:

وزن افاعیلی: مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن  
فعلات مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلات  
وزن اتانینی: تَنَنْ تَنَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ  
تَنْ تَنْ تَنْ تَنْ - تَنْ تَنْ تَنْ

ترتیب شمارش و حرکات صوتی:

۲۱۲۱ ۱۳۲۱ ۲۱۲۱ ۳۲۱ ۲۱۲۱ ۱۳۲۱ ۲۱۲۱

منوچهری در این بیت از چنگ ساز قدیم ایران باستان در هر مصراع یکبار نامبرده است که در مصراع اول می فرماید: این ساز را بساز یعنی کوک کن و در مصراع دوم نیز از صدای این ساز یاد می کند. علاوه بر این از دو نغمه و آهنگ موسیقی ایران یاد نموده است.

۱ - دوبیتی که یک فرم و نمونه در شعر بوده و نام گوشه و آهنگی در دستگاه شور می باشد.

۲ - رجزی که نام یکی از نغمات و آهنگهای دستگاه ماهور و چهارگاه است.

\* اطلاعات منوچهری دامغانی از تاریخ و فرهنگ قبل از خود بسیار گسترده بوده بطوریکه از تمام حوادث و اتفاقات، افسانه ها، داستانها و سرگذشت اقوام و طوایف روزگاران قبل خود آگاهی وسیعی داشته و در اشعار خود آورده است.

حاسدم گوید که شعر او بود تنها و بس باز نشناسد کسی بر بت زچنگ رامتین  
رامتین در تاریخ موسیقی ایران نوازنده، استاد واضح چنگ در دوره خسرو پرویز ساسانی است که در فرهنگها و دیوان شاعران از وی به عنوان رام و رامی نیز یاد شده مثلاً در بیت زیر که از خاقانی است:

گر چه تن چنگ شبه ناهه لیلی است نساله مجنون ز چنگ رام برآمد  
و یا نظامی سروده است:

چو رامی که گهی بناختی چنگ زخوشی بر سر آب آمدی رشک  
در سروده های دیگری از منوچهری می خوانیم:

یکی چون معبد مطرب دوم چون زلزله رازی  
سیم چو سنی زرین چهارم چو علی مکی

همانطوریکه مشاهده می شود منوچهری در مصراع اول از ابو عباد معبدبن وهب از موسیقی دانان نیمه دوم قرن اول و اوایل قرن دوم هجری که موسیقی را نزد شیط

فارسی و سائب خاثر یاد گرفته بود و در مصراع دوم از زلزله رازی موسیقی دان شهیر قرن دوم هجری که نوازنده زیر دست عود نیز بوده و در مصراع سوم از سنی زرین بانوی موسیقیدان و خنیاگر حرمسرای سلطان مسعود غزنوی و در مصراع چهارم از علی مکی ترانه ساز و موسیقی دان بارگاه و دربار سلطان محمد غزنوی یاد نموده است. منوچهری در اشعار خود از پرده ها و دستانهایی یاد نموده است که اکنون برخی از آنها در موسیقی ما شناخته شده نبوده و اجرا نمی شوند.

دراج کشد شیشم و فالوس همی	بی پرده طنپوره و بی رشته چنگ
پرده راست زند نارو بر شاخ چنار	پرده باده زند قمری و برنارونا
بر سر سرو زند پرده عشاق تذرو	ورشان نای زند بر سر هر مغروسی
بزیر گل زند چنگی بزیر سرو بن نائی	بزیر یاسمن عروه، به زیر نسترن عفروی
یکی نی بر سر کسری دوم نی بر سر شیشم	سدیگر پرده سرکش چهارم پرده لیلی
مطربان ساعت به ساعت بر نوای زیر و بم	گاه سروستان زنند امروز گاهی اشکنه
گاه زیر قیصران و گاه تخت اردشیر	گاه نوروز بزرگ و گاه نوای بشکنه

اسامی برخی الحان و نغمات و پرده های موسیقی که منوچهری از آنها یاد نموده در اشعار شاعران بزرگی چون نظامی نیز می توان یافت. برخی از آنها نام دستانهایی می باشند که منسوب به اجرا و نواختن خنیاگران، موسیقی دانان و رامشگران ایرانی است و تعدادی از آنها نیز در چهار چوب الحان باریدی می باشند.<sup>۵</sup>

نکته بسیار قابل تعمق و شگفت این است که منوچهری کنه و ذات این الحان موسیقی را بخوبی دریافته و ارتباط آنها را با طبیعت زنده و پرنشاط بروشنی یافته و به توصیف آن پرداخته است.

- در اشعار موصوف از واژه به دفعات پرده استفاده شده است. پرده در عمل موسیقی به جایگاه و محل انگشت گذاری یا ایجاد نغمه (صدا) گفته می شود. در سازهای قدیم پرده (محل ایجاد صدا) در برخی از سازها مشخص و در برخی

دیگر نامشخص بوده که به آن دستان نیز می گفته اند و این نسبت تاکنون حفظ شده است. در سازهایی چون نی، ریاب و بریط محل دستانه نامشخص بوده که نوازنده با زیر دستی و تمرین و ممارست زیاد آن جایگاه و دستانه را شناسایی و به نواختن مبادرت می نموده است. اما در برخی از سازها مانند طنپور، چهارتار، سه تار، ششتار و دو تار محل دستانه را با نوعی رشته های کنفی، روده ای، نخ و... معین و مشخص می نموده و به نام انگشتان دست نامگذاری می کرده اند.

جرس دستان گوناگون همی زند      بسان عندلایی از عناده  
عمل تعیین و استقرار این پرده ها را اکنون پرده بندی و در قدیم دست نشانی می گفته اند.

حال که مختصری با کاربرد الحان و نغمات موسیقی در اشعار شاعر توانا و عارف و طبیعت گرا منوچهری دامغانی آشنا شدیم. شایسته است به اندیشه پویا و زنده، زلال و پرنشاط، عمیق و معنوی این شاعر بزرگ بیشتر آشنا شده و بدانیم که این بزرگ مرد ویژگی ممتاز و برجسته ای دارد و آن عشق به زندگی است، زندگی را سراسر جاذبه، لطف و زیبایی اسرار آمیز می بیند و بر خلاف صوفیان و زاهدان که از جاذبه های این زندگی بیخبرند و همواره از دنیای دیگر و آنهم دنیای مرگ و نیستی سخن می گویند، او به هر پدیده بی جان و جاندار می نگرد آن را ملهم و سرشار از معرفت و زیبایی می بیند که سایه الطاف ایزدی بر سر آن سایبان انداخته است آوای مرغان او را بویاد نغمات و الحان خنیاگران و رامشگران و موسیقی دانان می اندازد. بانگ کبک او را به یاد آوای ناقوس و صدای شارک، نغمه سنتور را برای او تداعی می کند. پیام، درس و تعلم او برای ما درک صحیح زندگی و برخورد مناسب با آن است تا با نگاه باریک و پرمعنی خود را از الطاف، زیباییها و موهبتهای الهی جهان هستی مرحوم و بی بهره نسازیم.

در باغ به نوروز درم ریزان است      برنا رونان، لحن دل انگیزان است

باد سحری سپیده دم خیزان است  
با میغ سیه به چنگ آویزان است

وز میغ سیه چشمه خون ریزان است

تا باد مگر زمیغ بردارد چنگ

مسمط هفتم از دیوان اشعار منوچهری

منابع:

- منوچهری دامغانی و موسیقی شادروان حسینعلی ملاح
- سخن و سخنوران - مرحوم فروزانفر
- با کاروان حله - دکتر عبدالحسین زرین کوب

### جلوه هایی از سخنوری منوچهری

احمد امیری خراسانی

ابوانجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی از بزرگان شعرای خوش قریحه و شیرین زبان فارسی است.

که تولدش نامعلوم ولی وفاتش را که در جوانی اتفاق افتاده است، به سال ۴۳۲ هـ (۱) نوشته اند. منوچهری را شاعر طبیعت گفته اند که توصیفات و تشبیهات او ساده و محسوس است و چون او از شعرایی است که بیشتر از همه تحت تأثیر ادبیات عرب رفته، لذا این اثر در کلمات او بیشتر ظاهر و هویداست، مهارت در تشبیه، ذوق فراوان، قدرت توصیف، ظرافت طبع، همراه با مسمط سرایی، شادزیستی و وصف شراب و عشق و زندگی و ذکر انواع اصطلاحات، او را در بین شاعران دیگر، جایگاه ویژه ای داده است.

ذهن و قواد و درک بسیار او باعث شد که در عنفوان جوانی به آموختن عربی و حفظ اشعار عربی روی آورد. «منوچهری از نمایان شعرای این دوره (غزنویان) آشنایی و انس کاملی با ادبیات عرب داشت و غالباً» دو او این شعرای آن قوم را مطالعه می کرد و به گفته خود «بسی دیوان شعر تازیان» از برداشت. به همین جهت می بینیم که تحت تأثیر ادبی اشعار عرب قرار گرفته است. این تأثیر که ما آن را آشکارا در اشعار منوچهری ملاحظه می کنیم، بیشتر جنبه لفظی دارد.» (۲)

تأثیر پذیری منوچهری از شعر و شاعران عرب، بیشتر محصول محیط روزگار او بوده است زیرا محیط دربار غزنین، محل رواج عربی بود، و خراسان آن روز آغوش به روی ادبیات عرب گشوده بود، وزیران و امرای زمان او با عربی آشنا بودند و